

اگر علی علیه السلام حاکم می‌شد...

همه می‌دانستند که علی(ع) در برابر حق و در مقابل حکم خدا انعطاف‌پذیر نیست. در هنگام اجرای حق، نزدیکان و غریبه‌ها برای او یکسان اند، علی(ع) را با این صفات شناخته بودند.

همه می‌دانستند که علی(ع) در برابر حق و در مقابل حکم خدا انعطاف‌پذیر نیست. در هنگام اجرای حق، نزدیکان و غریبه‌ها برای او یکسان اند، علی(ع) را با این صفات شناخته بودند.

به گزارش خبرنگار مهر، امروز نوزدهم ماه رمضان، سالروز ضربت خوردن امیرالمؤمنین (ع) است. در سحر نوزدهم این فاجعه ی عظیم اتفاق افتاد؛ یعنی امیرالمؤمنین مظهر عدالت به خاطر مبارزه ی در راه عدل و داد و انصاف و حکم الهی، در محراب عبادت در خون خود غلتید و محاسن مبارکش به خون سرش رنگین شد. «فلما احس الامام بالضرب لم يتأوه»؛ وقتی ضربت شمشیر بر فرق مبارک امیرالمؤمنین فرود آمد، هیچ آه و ناله ای از آن حضرت سر نزد. «و صبر و احتساب»؛ حضرت صبر کردند. «و وقع علی وجهه»؛ امیرالمؤمنین با صورت روی زمین افتادند. «قائلا بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله»؛ درست مثل حضرت ابا عبدالله که وقتی در گودال قتلگاه روی زمین افتادند، نقل شده است که عرض کردند: «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله».

خطبه فدکیه نام سخنرانی حضرت فاطمه (س) در مسجدالنبی که در اعتراض به غصب فدک ایراد شد. خلیفه اول پس از جریانات بعد از رحلت پیامبر (ص) با منسوب کردن روایتی به پیامبر مبنی بر اینکه پیامبران از خود ارث برجای نمی‌گذارند، زمین های فدک را که پیامبر (ص) به حضرت فاطمه (س) بخشیده بود، به نفع خلافت صادره کرد. فاطمه (س) پس از بی ثمر بودن دادخواهی اش به مسجد پیامبر رفت و خطبه ای ایراد کرد که به خطبه فدکیه مشهور شد. ایشان در این خطبه بر مالکیتش درباره فدک تصریح کرد. همچنین به دفاع از حق حضرت علی (ع) درباره خلافت پرداخت و مسلمانان را به خاطر سکوت در مقابل ستم به اهل بیت (ع) سرزنش کرد.

خطبه فدکیه مجموعه ای از معارف ناب در زمینه های خدانشناسی، معاد شناسی، نبوت و بعثت پیامبر اسلام (ص)، عظمت قرآن، فلسفه احکام و ولایت را در بردارد.

آن چه پیش رو دارید قسمت چهل و یکم از سخنان مرحوم آیت الله مصباح یزدی است که در خصوص شرح خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ایراد کرده اند:

از آن خطبه مبارک به این فراز رسیدیم که می‌فرمایند: و ما الذی نقموا من أبی الحسن علیه السلام نقموا و الله منه نکیر سیفه و قلة مبالاته لحتفه و شدة وطأته و نکال وقعته و تنمره فی ذات الله…

حاکم مطلوب

حضرت زهرا سلام الله علیها در اواخر عمر بعد از اینکه با مردم و متصدیان حکومت حجت را تمام کردند و نتیجه ای نگرفتند، در اینجا قصد دارند علت انحراف مردم از امیرالمؤمنین علیه السلام را توضیح دهند. برای فهم علت اینکه مردم چرا امیرالمؤمنین علیه السلام را رها کردند باید این مقدمه را مورد بررسی قرار دهیم که مردم از حاکم چه انتظاری دارند و حاکم ایده آل برای مردم چه کسی است تا بفهمیم چرا مردم علی علیه السلام را رها کردند و سراغ دیگران رفتند.

برخی از مطالبات مردم از حکومت، عمومی است و برای هر مردمی با هر فکر و عقیده ای مطلوب است. یکی از این مطالبات، اجرای صحیح قانونی است که مردم آن را پذیرفته اند. لازمه اجرای صحیح قانون برخورد با متخلفان است. مردم از حاکم انتظار دارند که اگر کسانی عمداً از قانون سرپیچی کردند و در حق دیگران ظلم کردند با آن‌ها برخورد کند و دادشان را از ظالم بگیرد.

از دیگر مطالبات عمومی مردم از حاکم این است که در ظاهر و باطن دلسوز و خیرخواه عموم مردم باشد. مطالبه دیگری که می‌توان برشمرد این است که حاکم خودگزین نباشد و به جد در فکر تأمین مصالح جامعه و خدمت به مردم باشد؛ نه اینکه در فکر کیسه دوزی و جمع امتیاز برای خود باشد.

این‌ها مطالباتی است که مردم هر جامعه ای از حکومتشان دارند. اگر حاکمی این خصوصیات را داشته باشد برای عموم جوامع بشری حاکم مطلوبی است. در جامعه اسلامی یک انتظار دیگر هم اضافه می‌شود و آن این است که ارزش های اسلامی را پاس بدارد و سعی کند ارزش های اسلامی در جامعه پیاده شود. یعنی مردم در راه صحیح خدایپرستی قرار گیرند و مبتلا به بدعت ها و آفت های فکری و

انحرافات عقیدتی نشوند. اگر حاکمی در مقام عمل، اهل مسامحه باشد و خیلی این مسائل را جدی نگیرد در چنین موقعیتی معمولاً مردم دو دسته می شوند؛ کسانی که ظلم کرده، به حقوق مردم تجاوز نموده و از بیت المال سوءاستفاده کرده اند وقتی می بینند با آن ها برخورد جدی نمی شود خوشحال می شوند و از چنین حاکمی راضی هستند. اما سایر مردم وقتی می بینند به آن ها ظلم شده و حقوقشان ضایع شده است ناراضی می شوند.

وقتی اربابان قدرت و سرمایه داران منافعشان تأمین شود سعی می کنند دیگران را با فریب قانع کنند تا به گونه ای سرشان گرم شود و مزاحمشان نشوند. این شیوه هایی است که در همه جای دنیا می بینیم. شاید در عالم کشوری نباشد که در آن از این شیوه های شیطانی استفاده نشود؛ چراکه در همه کشورها گروهی خواص و نخبه هستند که دور حاکم را می گیرند و حاکم هم به رأی، کمک های مالی و نفوذ آن ها احتیاج دارد. از این رو دستشان برای سوءاستفاده از بیت المال باز است و برای این که مردم آشوب نکنند به هر نحوی که شده مردم را سرگرم می کنند. این کاری است که در بسیاری از حکومت ها معمول است؛ اما اسلام به چنین وضعی راضی نیست.

حکومت علی (ع) الگوی حکومت اسلامی

علی علیه السلام مظهر تام حکومت اسلامی است. اگر ما حکومت علی علیه السلام را نداشته ایم برای اداره کشور چه الگویی داشتیم؟ امام رحمة الله علیه در جواب خبرنگاران خارجی که از ایشان در فرانسه سوال کردند: اگر شما در مبارزه موفق شدید و شاه را بیرون کردید قصد دارید چه نوع حکومتی تشکیل دهید؟ فرمودند: «حکومتی مثل حکومت علی علیه السلام». دوست و دشمن در همه عالم عدالت علی را می شناسند. این حکومت الگویی است که در تمام تاریخ بشریت نمونه است. حاکم عادل حقیقی از نظر اسلام کسی است که در مقابل متخلفان قاطعیت داشته باشد و اهل سازش، مسامحه، خویش و قوم بازی، حزب بازی و ... نباشد و در همه جا حق را اعمال کند.

این نمونه حکومت ایده آل اسلامی است. مردم علی را شناخته بودند. آن ها در طول ۲۳ سال رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله همواره علی علیه السلام را در کنار پیغمبر دیده و رفتارش را آزموده بودند. همه می دانستند که علی در برابر حق و در مقابل حکم خدا انعطاف پذیر نیست. در هنگام اجرای حق، نزدیکان و غریبه ها برای او یکسان اند. علی را با این صفات شناخته بودند و می دانستند او آدمی نیست که بتواند فریبش دهند و از او سوءاستفاده کنند.

عیب علی (ع) صفات خوبش بود

حضرت زهرا سلام الله علیها در این فراز می فرمایند: علت این که عموم مردم از علی علیه السلام حمایت نکردند همین صفات خوب علی بود وگرنه نمی توان هیچ عیبی در علی پیدا کرد. چه کسی اسلام را از علی علیه السلام بهتر می شناخت؟ چه کسی برای مردم، برای ضعفا، برای ایتم، برای فقرا و برای بیوه زنان دلسوزتر از علی علیه السلام بود؟ همه می دانستند که علی نمی توانست اشک یتیم را تحمل کند. دیده بودند که چگونه قنات و نخلستان آباد می کرد و وقف فقرا می نمود و خود از آن ها استفاده نمی کرد و حتی بارها شده بود خود و فرزندان و اهل بیتش گرسنه می خوابیدند و مختصر غذایی که داشتند به دیگران می دادند.

ممکن است گفته شود که این صفات، صفات بسیار خوبی است و هر ملتی که چنین حاکمی داشته باشند به او علاقه مند خواهند شد. پس چرا علی علیه السلام را کنار گذاشتند؟

بله، مردم علی را خوب می شناختند. اما خواص دلشان می خواست علی برای آن ها حساب جداگانه ای باز کند، در حالی که علی علیه السلام این گونه نبود. او کسی بود که وقتی برادر فقیرش از او تقاضای سهم بیشتری از بیت المال کرد آهن داغ را به دستش نزدیک کرد و عذاب سخت خدا را به او یادآوری کرد. این بود که دیدند با علی نمی شود کنار آمد. حاضر شدند از همه خوبی های علی صرف نظر کنند و با کسی عهد و پیمان ببندند که کمی برای آن ها حساب خاص باز کند.

حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند: و ما الذی نقموا من أبی الحسن؛ ابوالحسن چه مشکلی داشت که او را رها کردند. حضرت برای احترام با کنیه از مولا علی علیه السلام یاد می کنند.

نقموا و الله منه نکیر سیفه و قلة مبالاته لحتفه؛ اشکالشان به علی این بود که در هنگامه جنگ کسی در مقابل شمشیرش طاقت نمی آورد. دیده بودند آن جایی که باید شمشیر بزند باکی از خطر و کشته شدن ندارد. و شده و طأته؛ علی جایی که قدم می گذاشت استوار و محکم قدم می گذاشت نه با مسامحه. و نکال وقعته؛ آن جایی که باید کسی را مجازات کند ضربه اش عبرت آموز و سخت است.

و تنمره فی ذات الله؛ این تعبیر، تعبیر ادبی بسیار لطیفی است که در فارسی مشابه اش را نداریم. کلمه «تنمر» از «نمر» گرفته شده است. نمر یعنی یوزپلنگ. عرب ها معتقدند در بین حیوانات درنده یوزپلنگ صفت خاصی دارد و آن اینکه همیشه در حال خشم و آماده جنگ است. این حالت را که همیشه انسان آماده مبارزه باشد و غافل گیر نشود، تنمر می گویند.

تنمره فی ذات الله یعنی آن جا که مربوط به خدا می شود علی کاملاً آماده است و کمال قاطعیت را در مورد تکالیف الهی اعمال می کند و هیچ انعطاف نمی پذیرد. این عیبی است که مردم از علی می گرفتند. این برای مردم قابل تحمل نبود. گاه که علی علیه السلام در مأموریتی فرمانده بود در بازگشت عده ای نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله می رفتند و از قاطعیت و سخت گیری علی علیه السلام شکایت می کردند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمود: اَرْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ مِنْ شِكَايَةِ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ حَشِينٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ؛ علی درباره کار خدا هیچ انعطاف و نرمش ندارد. اگر تنها حقوق خودش در میان بود از همه چیز می گذشت؛ اما آن جایی که پای حق مردم و حکم خدا مطرح بود از سرسوزنی نمی گذشت.

سیره علی علیه السلام تنها راه سعادت بشر

و تالله لو مالوا عن المحجة اللائحة و زالوا عن قبول الحجة الواضحة لردهم؛ إليها و حملهم عليها؛ به خدا قسم اگر انحرافی در جامعه پیش می آمد و مردم راه را کج می رفتند آن ها را به راه حق برمی گرداند و نمی گذاشت مردم منحرف شوند. در هر جامعه ای ممکن است سهواً یا عمداً کج اندیشی ها و کج روی هایی پیش بیاید.

این یک فضیلت بزرگ برای حاکم جامعه است که نگذارد جامعه از مسیر حق منحرف شود.

و لسار بهم سيرا سجحا؛ در آن زمان شتر، مرکب مناسبی برای مسافرت بود که عرب ها در سفرهای طولانی از آن استفاده می کردند. در سفرها وقتی قافله ای راه می افتاد ساربان، شترها را کنترل می کرد و مراقب بود راکب ها را اذیت نکنند.

آنجایی که باید تند می رفتند آن ها را تند می راند و آنجا که باید کند می رفتند حرکتشان را کند می کرد. حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند: اگر زمام حکومت به دست علی علیه السلام می افتاد چنان شتر جامعه را حرکت می داد که مردم نه عقب بمانند و نه اذیت و خسته شوند و به خوبی به مقصد برسند. «سیر سجع» یعنی آن حرکت شتر که خیلی آرام است و راکبش اذیت نمی شود. لا یکلم حشاشه؛ برای مهار شتر، بندی در بینی آن می انداخته اند که خیلی نقش مهمی در کنترل شتر داشته است.

راکب به وسیله آن به شتر علامت می داد که چه طور حرکت کند. برخی افراد وقتی سوار شتر می شدند گاه آن چنان مهارش را می کشیدند که بینی اش زخم می شد و یا آن چنان با پا به بغل شتر می زدند که ران هایشان زخم می شد به خصوص در سفرهای طولانی که باید چندین روز سوار شتر می شدند و مرتب با پا به بغل شتر می زدند.

حضرت می فرمایند: اگر مهار شتر خلافت را به دست علی می دادند آن چنان آرام و هموار آن ها را به منزل می رساند که نه شتر اذیت می شد و نه راکب. و لا یکل سائره و لا یمل راکبه؛ آن چنان شتر را حرکت می داد که نه از قافله عقب بماند و نه راکب، خسته و ناراحت شود.

و لأوردهم منهلا نمیرا صافیا رؤیا تطفح صفتاه و لا یترنق جانباه و لأصدرهم بطانا؛ برای اعراب در آن محیط، آبشخور خیلی مطلوب و مهم بوده است. غالباً آدم های بادیه نشین در صحرائ خشک زندگی می کردند و در نزدیکی محل سکونت هر طایفه ای آبشخوری بوده که آب باران در آن جمع می شده است و آن ها از آن آب استفاده می کرده اند.

حضرت می فرمایند: اگر علی زمام حکومت را به دست می گرفت مردم را آن چنان آرام حرکت می داد که به موقع به آبشخور برسند؛ نه آبشخوری آلوده بلکه مردم را وارد آبشخوری می کرد که آن چنان آب در آن می جوشید که از دو طرفش بیرون می ریخت و آبی که در آبشخور بود همیشه صاف و زلال بود و کاملاً قافله را سیراب می کرد. علی آن چنان جامعه را هدایت می کرد که کسی تشنه نمی ماند.

و نصح لهم سرا وإعلانا؛ گفتیم حاکم ایده آل کسی است که واقعاً دلسوز مردم بوده و در آشکار و پنهان در فکر خدمت به مردم باشد. علی این گونه بود. و لم یکن یتحلی من الدنیا بطائل؛ یکی دیگر از صفات حاکم خوب و ایده آل این بود که به فکر خودش نباشد و چیزی برای خودش ذخیره نکند.

حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند: علی از چیزهای اضافی و زیورهای دنیا استفاده نمی کرد. و لا یحظی منها بنائل غیر ری الناهل و شبعة الکافل؛ از اموال جامعه استفاده نمی کرد جز آبی که رفع تشنگی کند و غذای مختصری که رفع گرسنگی کند. و لبان لهم الزاهد من الراغب و الصادق من الکاذب؛ آن وقت زاهد واقعی از طالب دنیا شناخته می شد و روشن می شد چه کسی ادعای راست دارد و چه کسی ادعای دروغ. بعد به این آیه استشهاد می فرمایند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الثَّرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنُ

كَذَّبُوا فَأَحَذْنَاَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ این سنتی الهی است که اگر مردم شهرها و آبادی‌ها (جامعه) اهل ایمان و تقوا می‌شدند (باورهای صحیح داشتند و ارزش‌ها را رعایت می‌کردند) خداوند در همین دنیا از آسمان و زمین برکاتی را بر آن‌ها نازل می‌کرد. ولی افسوس! به جای ایمان تکذیب کردند.

به همین جهت ما هم در مقابل اعمال بدشان آن‌ها را مجازات کردیم.» قرآن می‌فرماید: «اگر جامعه اهل تقوی شوند» یعنی این حکم و این سنت مربوط به جامعه است نه فرد. ممکن است در جامعه چند فرد خوب هم باشند، اما اگر جامعه فاسد شد خدا آن جامعه را تنبیه می‌کند.

وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ؛ خیلی جالب است. حضرت آیه قبل را به عنوان قاعده کلی و کبرا آوردند و حال با اسم اشاره «هؤلاء» به جامعه خودشان اشاره می‌کنند. یعنی اگر این مردم هم اهل ظلم باشند به نتایج اعمالشان مبتلا خواهند شد و نمی‌توانند خدا را عاجز کنند تا دست از سنت‌هایش بردارد. اشاره به این آیه نیز بسیار آموزنده است و شامل نوعی پیش‌گویی است؛ یعنی براساس همین آیه شریف، افراد این جامعه به خاطر تخلف از حکم خدا و نادیده گرفتن آن و شکستن بیعتشان حتماً به عقوبت الهی مبتلا خواهند شد.